

شامل بهایون

لیس کرده بخوانند و حقا تلفظ نمایند تا بدان کلمه نمی کنند که کی جنبانی را که اینک در مملکت عثمانی
 معروف است کلامی دارند و مشکلات که در املاء و عثمانی آن زبان است جمله در انحضرت واضح
 مان باشد چند لی هم بحضرت زبان روسی پرداخته و با صعوبت خواندن الف بای آن این کار را نیز
 نموده اند در علم جغرافیا طوری احاطه دارند که قرا و قضبات مملکت هند و جبال سابق
 الیم حمید و تفصیل دارند و شرحی مبسوط از بهر ناحیه خوانند و همانا که از ارض در دست مبارک لومیت
 در علم طب و نجوم جدید مهارت آن عا حضرت نیز امری معلوم است و در فیه آیه شریفه رَبُّ
 الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ فرموده اند اشاره به مغرب و مشرق دنیا ی عتیق و جدید است
 که هر دو روی کره باشد و در فیه آیه کیمیه رَبُّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ فرماید مشارق مغارب
 سایر سیارات عالم شمسی است و این کلام پیغمبر صل و کتاب مرسل ظهور معجزه ایست و امتنان باین
 اعجاز را باید از کرامات آن ذات مقدس شمرد و اما از سیر کشتگان ناسخ آیه ان را آنچه نوشته اند
 انصافین عجم و عرب و یونان و غیره که کوز ذهن مبارک است و ناسخ قدیم و جدید ما را مملکت اند
 در سلاله و طبقه که باشد بخوبی میدانند و از هر لفظه ذکر می شود شرحی وافی در این بیان مفرمانند و همه شوم
 ناسخ بالا استمرار و حضور بهایون خوانده شود و بنا بر قیاس کامل سفر نمایند و والفرین که در قرآن لبرم ذکر
 شده و مشرق و مغرب عالم سیما یافته و اورا مملکت اقالیم سبع دانند همان سه رسته پس موقوف حضرت
 و ناسخ بطر کبر و فردر بکت کبر و ناپلیون اول تبار در مد نظر مبارک است و ولعی بطالعه آن کتب دانه
 اما در امور بلندیکی بواسطه حارست در این فن که اعتنا لا در روزنامه بای فرنگ و حضور اقدس خوانده
 میشود طوری متجرب باشند که هیچکس از دیپلوماتهای بزرگ را آن درایت حاصل نشده و در ظرف
 چهل و دو سال سلطنت هیچکس از وزراء نمیتوانند ادعا کنند که عرض الی و حضور مبارک نمود
 بلکه آنچه شده بآراء خاصه بهایونی بوده و اگر نقص و خلائی بطور رسید ثابت است که از عدم بصیرت
 و لیاقت و زیر است که نتوانسته و امر علیه را بموقع اجراء رساند اما شرف مقام آن را با طبعی قادر
 چون اسنادان کامل نظم نمایند و لالی افکار بکار شایان و دیوان بهایون زیاده از آنچه از دست است
 نمونه را این چند شعر درین محل ثبت افشا و در تغزل فرموده اند
 برقع از چهره بر افکن که همه خلق جهان
 یکی روز و خورشید به منید عیان
 ایضا و تغزل بی دارم از ماه کردن نکوتر
 دور لغزش سیه لب چون کبوتر
 در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عید مولود امیر المؤمنین شد عالم
 دنی و بعضی غنیمت شد از برای مرده این عید جید جبرئیل از آسمان سوی من شد بخ غنیمت

کر آرد داد و قدرت حق تا که با خاکش عجبین شد در باغی باران رنوا همچو شکم آید و ز آید
 بدشت شکم آید محتاج چمن آب باران بود اینجا که چو سیل از مره اشکم آید و کسب نفع
 ملک کو بر ملک علی احمدی کمال است مخصوصاً در دور نما و شبیه سازی چه با داد و آنچه بار ملک
 دارند که در یک طرفه العین نقش و شبیه بر کس و بر چار و بر نهایت خوبی در صفی مقرر می نمایند و در
 اتفاق افتاده که با قلمهای فرنگی مبعوث صورت ساخته اند که اسب سنا دان تا این قدر
 خط تعلیق اخوت می نویسند همچنین تنگته و نسخ را و در تحریر خیال می باشند که مکرر روزی
 برابر بیت بدون اظهار کسالت و همه آن برابر بیت بخوبی خوانده میشود شاهی این قدر چیز
 نوشته بیشتر از همه کرد و بیت و قایع همه یومیه و روز نامجانی است کاشته شده و در
 مجلدات عدیده جلد کرده در خزانه مبارکه محفوظ و مخد است و اگر کسید قدر و مرتبت و
 اندازه خدمت از اماره ای کماله اما میرانداری یثیبا درین بهر وقت آن شخص تمام دنیا می باشد
 و اماره بخلی برانند و احدی منکر نیست بسیار اتفاق افتاده که دو هزار و پانصد قری شکار زده
 و با هر یک لوله از تفکات و دلوله در هوا بلند چسبی را انداخته و در کمان کشی و تیر همان اندازه کجشک را بار
 به ف تیر ساخته تقریباً بیت و پنج پلنگ و سی خر و زیاده از دو هزار قری صید شست بایون شده که باها
 از املازمان حضرت ضبط کرده اند و در اسب نازی آن قدرت دارند که بعد از تاختن ده الی با پزده سح
 اظهار شکلی نمایند اما ملکات نفسانی در اصول عقاید که افضل ملکات است بخوبی راسخ اند که مزیدی بر آن
 متصور نیست نه تنها از دکان حضرت بلکه اغلب اهل ملکات دانند که در این چهل و دو سال سلطنت
 کرور با در راه جنت اهل بیت بوقت خرج کرده اند فیه بای عالی تزیین نموده و از روضه خوانی و سایر
 خیرات و تبرات و رعایت جانب علما و سادات فرو گذار نکرده و بحال مراقبت بکار برده و هر ساله
 تقریباً یک کرور تومان نقداً جنساً با رباب استحقاق و طایف و درویش و انعام میدهند و در حفظ
 قوانین شرع شریف حذران مفید می باشد که در ستانهای بسیار بخت و قتل جبال و سکار کاها همین که وقت
 نماز رسد تجدید و جنو کرده بعبادت مشغول شوند و در تمام عمر یکبار نماز شان ترک نشده حتی در سفر و فریاد
 از بصره بایون احدی نمی خواند اما غضب یا علامت شادی و غم می نماید چه قوه غضبیه را در تحت طاعت
 غفل آورده اند و گاه چشم بغیر حالی در وجود مبارک مشاهده نمی شود و بر خلاف پیشینان با کمال
 بشتم و کلمات رشت افق و نکت طبعاً مایل بسیار نیستند حتی مقصرین واجب القتل که با بسزا
 خود میرسانند بایون این است که تمام اهل عالم خاصه رعایای ایران در عهد سایش مرفه الحال
 باشند

باشند و بسعت زندگانی کنند و انانیت اهل مملکت افزند خود دانند و خیال ناسایسته برگزینان
 انحضرت راه یافته در پارسائی و عفت و پاکدامنی در سر قکمال جایی دارند و این ستمگر میرا از قریض
 بشمارند و دل و دست مبارک بجزوگان است و در سخاو و کرامت مانند ابرو باران ناطقه از آصف
 شوند و در آن که حد آن ندانند خواهند ازین آستان مأیوس نشود بلکه احدی از خطایای و افراط ملوکانه
 محروم نگردد مختصر اینکه حکیم علی الاطلاق میدانست در این عصر تمدن و تربیت و عهد برتری و تربیت
 که دول با یکدیگر در ترقی و سربلندی است و ملل در تقدم و تاخر مجازات مملکت محروسه و رعایای بنوع
 ایران را شاهنشاهی بیابست کامل بنوع کارگاه که با حزم و افزونم رانج و رای صایب و بهوش
 ثاقب و عقل رزین و فکر متین و بسطید و شرح صدر و ملکیت بصفت و قوه مجاهدت تکمیل نوافضل امور
 این دولت پرداز و ملت تابعه مطیع خود را بر راه رفی و پیشرفت اندازد و کار با بسازد و پانی ضایل
 علوم جدید را درین ساحت بانه نماید و در بروی صنایع مستطرفه بدیع کشاید حوضه ملک را چون رود
 خلد با غصان فصایل و آثار معارف و انوار بدایع و از بار طرایف بیاراید مجهولات را معلوم و مفصلات
 مفهوم و مسکلات را حل و اوامر و احکام را نافذ و سبیل و ارد و نامردم این اقطار نیز از نغای شایسته حایله هر
 و قنمت برند و ازین خوان نغای بقدر وصله و استنها خوردند از رفایا باز پس نمانند و خود را بجا بکنند باید و ثبات
 رسانند بر بلند می فایز کردند و بین الاحم به مزایای مخصوصه ممتاز و متمایز باشند انجام این مهم مملکت
 علام کوهر بیکر مبارک را با فرازیدی بیا فرید و شمایل بدیع بهایون را بجله حال و جامعیت محلی ساخت
 تا بتودع نفسی کریم و قلبی رحیم و روحی فیاض و مزاجی چندل و عقلی محبط و حذقی مضطرب شود و مجمع شراطیه منطوقه
 و لوازم مطلوبه و صفات لازمه و قوای فعاله گردد درین صورت عجیب عنایت که سیماهای جهان را
 اقدس و طلعت فیروزی است مقدس چنان ساخته و پرداخته باشد که جامع محاسن صوری و معنوی و
 جاذب قلوب و ابصار را باب بصیرت گردد

کشور آراید و جانها همه زو آساید بجز از لطف و کرم کار دیگر نماید
 حکم تقدیر چه نیکو بود و دولت یار کار فرمای قدر کار چنین فرماید

و ازین روست که عموم بار یا فغان آستان پهر نشان بلکه فاطمه رعایای این دولت جاوید
 بنیان تعقی خاص و استثنائی مخصوص زیارت تمثال آفتاب شمال بهایون شاهنشاهی خلد الله
 ملکه و سلطان دارند و دولت دیدار حسروانی را از مواهب سبینه و نعم غیر عنایه خداوندی بشمارند
 و در کت این سعادت و کسب بهینت را بر سر راه موکب مضور می آیند و دیده را از غبار این راه روشن

نخایل بنامون

بنامندشاده انجمن با کمال را بجان بچیند و بی اختیار میگویند که تبارک الله احسن الخالقین
 ولادت با سعادت علیحضرت اقدس شریاری در شب یکشنبه ششم بهمانی شهر صفر الحظیر
 هزار و دویست و چهل و هفت ناقصه بجزیه مطابق به هجری ۱۲۳۱ هـ ناقصه میلادی مقدار چهار
 ساعت و ربع از شب مسطور گذشته با فوج فریادکننده که از فریاد و مضامینات تبریز است و بخت مستقیم
 بندی تقریباً مقدار یک فرسخ و نیم در جانب جنوب تبریز و بحسب مسافت در چهار فرسخی آن واقع شد
 و طول مدار شرقی آن از جزائر خالکات (۷۰) درجه (۷۰) دقیقه و عرض آن از خط استواء
 سی و هشت درجه و پنج دقیقه است چون مسافت مابین موضع ولادت با سعادت و تبریز بحسب
 بعد چندان محسوس نیست بمخبر این دولت جاوید است همان طول عرض تبریز را ملاحظه نموده
 و طالع ولادت با سعادت بحسب زیج جدید محمد شاه هندی بصورتیست که در ذیل ثبت و تحریر
 باقیه اللهم ابد عیسه و ابد عیسه

۱۲۸

برج کاو شمس ۹ کط دول عطارد ک ۱ زحل ۶ ک مرکب ۱ ک زهره و مهر	۹۱	برج کاو شمس ۹ کط دول عطارد ک ۱ زحل ۶ ک مرکب ۱ ک زهره و مهر

جلوس مهینت مانوس علیحضرت اقدس شریاری در شب یکشنبه ۱۸ بهمانی شهر ثوال المکرم ۱۲۶۴ هـ
 ناقصه بجزیه مطابق ۱۲ ماه سپتامبر ۱۸۴۵ میلادی با فوج از سلطنت تبریز مقدار بیست دقیقه

تمام از غروب نصف قرص آفتاب شب مسطور گذشته بحسب تعیین و تشخیص ساعت
 سعدیکه متجین دیده بعرض رسانیده اند پس در نوامبر سال ۱۸۹۱
 میلادی که تقریباً مطابق است به نصف شهر ربیع الثانی
 و شصت و هجرتیه که سال طبع این کتاب است
 چهل و سه سال شمسی از دوران ابد بنیان
 گذشته خواهد بود اللهم خلد ملک
 و اجر فی سجا السعاده فکله
 عذره میرزا محمد علی
 کشکول

هُوَ الْمُسْتَعَانُ

الْحَمْدُ لِسُلْطَانِ الدِّنِ جَعَلَ أَوَّلَ مَا خَلَقَهُ عَقْلَ الْفَعَالِ وَبَسِيرُ رَدِّهِ وَتَضَرُّعُهُ فَتَحَّ لَهُ الْوُطْأُ
 وَبَشَرُونَهُ يَسْجُدُ لَهُ الظَّلَالُ وَبَهَيْتَهُ نَدَكَ لَهُ الْجَمَالُ وَبَقَدَّرَ لَهُ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ
 الطِّينِ اللَّادِبِ وَالصَّلَاطِ وَالْحِكْمَةِ ذِينَ صُودَرَتْ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ وَاتَّمَّ اعْتِدَالُ الصَّلَاةِ
 وَالسَّلَامُ عَلَى مَكْمَلِ الْكَمَالِ وَصَاحِبِ الْأَنْعَامِ وَالْأَفْصَالِ مُحَمَّدٍ الْمُبْعُوثِ عَلَى الْبُيُوتِ لِأَدَالَةِ
 الْحَقِّ وَتَوْبَةِ الْجَهْلِ سَيِّدِ الْبُرُودِ هُمْ أَقْطَابُ أَفْلاكِ الْجُودِ وَالنُّوَالِ وَبَعْدُ
 چون خداوند نامساعد و سوادا ال بهمتای ویرا اول موجود و مایه برهست و بود قرار داد و حکمت
 بالغه و مواهب شایسته ایشان بر کافه موجودات در این آخر زمان و بلوغ هر ظاهر و پنهان فرستاد
 برداشت معسر و لازم دانسته که اواز دین فویش گوش و تمام ساکنین کره خاک و فاعلین مدارج فلا
 نماید و تخرجه کامله ایشان برای خودی و بیکانه تمام فرماید تا هیچگونه عذری از جنبه هیچ جنس منحرک و ساکنی باقی نماند
 در هر عصری بطریقی و هر وقتی به حکایات نغزی این مثل غالی را جلوه گر ساخته تا این زمان سعادت اقران
 که در ملکوت اعلی از جانب مالک عوالم فنا و بقا این مبارکت خطابه را بنام نامی و اسم گرامی حضرت ملک
 محمد صاحب شمس و خورشید و تخت جم السلطان ابن السلطان ابوالمظفر صاحب قرآن ناصر الدین